

نگاهی کلی به اسباب صدور احادیث

محمد جعفر شهروزی*

چکیده:

بهترین راه آشنا شدن با رهنمودهای پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ، استفاده از سخنان ایشان است. برای بهره‌گیری از کلام ایشان، باید به عواملی که در فهم حدیث مؤثرند، توجه کرد. یکی از این عوامل، شناخت و آگاهی از زمینه‌های صدور احادیث از معصومان ﷺ است.

پژوهش حاضر گامی در راه آشنایی با اسباب صدور و زمینه‌های آن است. بدین منظور، پس از مطالعه و بررسی منابع مختلف و جمع‌آوری اطلاعات لازم، مطالب در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول، مباحثی همچون تعریف، اهمیت، فواید و آثار مربوط به آن مطرح گردیده و در بخش دوم، تحت عنوان اسباب صدور احادیث به بحث و بررسی درباره انواع احادیث با توجه به اسباب صدورشان و نیز موضوعات اسباب صدور پرداخته شده است. در آخر نیز مباحث مطرح شده جمع‌بندی گردیده است.

کلید واژه‌ها: اسباب صدور احادیث، اهمیت، موانع، کتب، نقل و نگارش، موضوعات.

۱. کلیات

۱-۱. تعریف سبب صدور حدیث

با مراجعه به کتب حدیثی ملاحظه می‌شود که اولین تعبیر، درباره موضوع مورد بحث، اصطلاح اسباب الحدیث^۱ است که به صورت مفرد، یعنی سبب الحدیث^۲ هم ذکر شده است و معنای آن،

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

۱. احکام الاحکام، ص ۶۴.

۲. نزهة النظر، ص ۹۷.

عبارت است از آنچه باعث ورود حدیث می‌شود.^۳ با توجه به این معنا و توضیحاتی که در شرح آن داده شده است، به تدریج اصطلاح اسباب ورود الحدیث^۴ جایگزین اسباب الحدیث شد. بعد از آن نیز اسباب صدور الحدیث،^۵ به عنوان اصطلاح دیگری برای آن به کار رفت. سپس سبب صدور حدیث^۶ به عنوان معادلی دیگر برای آن انتخاب شد. شأن صدور حدیث^۷ و علت صدور حدیث^۸ هم، مترادف‌های دیگری هستند که اخیراً برای آن به کار رفته‌اند.

۱-۱-۱. معنای اصطلاحی سبب صدور حدیث

مهم‌ترین تعاریفی که در این زمینه مطرح شده است، عبارت‌اند از:
الف. سبب ورود حدیث، سببی است که پیامبر اکرم ﷺ به خاطر آن، حدیث را بیان کرده است؛ مانند سبب نزول در قرآن کریم.^۹
ب. سبب ورود حدیث، عبارت از آن چیزی است که حدیث در ایام وقوع آن گفته می‌شود و درباره آن سخن می‌گویید.^{۱۰}

ج. اسباب ورود حدیث، عبارت است از اموری که حدیث به سبب آنها گفته شده است.^{۱۱}
با توجه به تعاریف گفته شده، می‌توان سبب صدور حدیث را چنین تعریف کرد که عبارت است از امری (حادثه‌ای، مناسبتی، نیازی، پرسشی، موضوعی و...) که موجب می‌شود پیامبر اکرم ﷺ یا یکی از امامان ﷺ به خاطر آن یا در ارتباط با آن، حدیثی را بیان کنند.^{۱۲}

۲-۱. علم اسباب ورود حدیث

موضوع مورد بحث، یکی از انواع علوم حدیث^{۱۳} و از فروع آن^{۱۴} به حساب می‌آید و درباره آن گفته شده است:

علم اسباب صدور الحدیث، به شرایط و احوالی توجه دارد که سبب صدور حدیث، از نبی اکرم ﷺ شده‌اند؛ زیرا در بسیاری از مواقع، حادثه‌ای روی می‌داد و موجب می‌شد که نبی اکرم ﷺ حکمی

۳. شرح نخبه الفکر، ص ۸۱۴؛ خاطر السنین (حاشیه لفظ الدرر)، ص ۱۷۸.

۴. الوسیط، ص ۴۶۶؛ المصباح، ص ۱۲۵.

۵. مفاتیح علوم الحدیث، ص ۱۲۶.

۶. تلخیص مقیاس الهدایة، ص ۲۴۵.

۷. بررسی اصول و معیارهای نقد حدیث از جهت متن (پایان نامه کارشناسی ارشد)، ص ۲۸.

۸. فقه الحدیث، ص ۴۱.

۹. حاشیه ابن قطلوبغا علی شرح نخبه الفکر، ص ۱۵۹؛ شرح نخبه الفکر، ص ۸۱۴.

۱۰. شرح نخبه الفکر، ص ۱۴۴؛ الموجز فی مصطلح الحدیث، ص ۶۰.

۱۱. همان.

۱۲. ذکر این نکته مهم است که ناقل سبب صدور حدیث می‌تواند معصوم یا غیر معصوم باشد.

۱۳. البیان و التعلیق فی اسباب ورود الحدیث، ص ۳۱؛ الوسیط، ص ۴۶۶.

۱۴. کشف القنون، ج ۱، ص ۱۲۰.

شرعی درباره آن بیان کند.^{۱۵} پس می‌توان گفت که علم مذکور، علمی است که در پی شناخت و بحث درباره اسباب، موقعیت‌ها و زمینه‌هایی است که معصومان علیهم‌السلام به دنبال آنها حدیثی بیان کرده‌اند. بنابراین، شناسایی احادیثی که دارای سبب صدور هستند، بررسی سبب صدور آنها و میزان تأثیرشان در فهم احادیث در حیطه این دانش قرار دارند. همچنین چون این علم رابطه‌ای مستقیم با فهم حدیث دارد، لذا بعضی آن را جزء علوم مربوط به فهم متن حدیث آورده‌اند و زیرمجموعه فقه الحدیث قلمداد کرده‌اند.^{۱۶}

۳- ۱. اهمیت شناخت اسباب صدور احادیث

احادیث معصومان علیهم‌السلام در شرایط زمانی و مکانی متفاوت و با انگیزه‌ها و هدف‌های خاصی صادر شده‌اند و ناشی از اسباب و علل گوناگونی بوده‌اند، اما وجود پدیده‌هایی در تاریخ حدیث از قبیل ممنوعیت نقل و نگارش حدیث، نقل سینه به سینه آن، نقل به معنا، جعل حدیث، ورود اسرائیلیات و... نه تنها باعث شده‌اند که اختلالاتی در فهم احادیث به وجود آید، بلکه موجب شده‌اند که بسیاری از اسباب صدور احادیث، حذف و یا به فراموشی سپرده شوند. پس، در درک واقعی احادیث، باید دقت و ویژه‌ای اعمال گردد و از قرآنی که در فهم حدیث مؤثرند، کمک گرفته شود. یکی از مهم‌ترین این قرآین، سبب صدور احادیث است که علمای علوم اسلامی، درباره اهمیت شناخت این عامل، مطالبی بیان کرده‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف. از جمله امور مهم برای فهم احادیث، تحقیق و جستجو درباره سبب صدور حدیث است و آنچه در فهم مدلول آن دخیل باشد.^{۱۷}

ب. شناخت سبب صدور حدیث، از امور مهم بوده و دارای فواید زیادی است و عدم ذکر اسباب بعضی از احادیث، باعث اختلال در فهم آنها و نیز موجب از بین رفتن مقاصدشان شده است. اسباب ورود حدیث، مانند اسباب نزول آیات قرآن کریم، به دنبال بیان مناسبتی است که پس از آن حدیثی گفته شده است و موجب تسهیل استنباط حکم شرعی، با توجه به آن شرایط و موقعیت می‌شود.^{۱۸}

ج. از مواردی که در فهم نیکوی سنت نبوی مؤثر است، توجه به احادیثی است که بر اسباب خاصی بنا شده‌اند یا با علت مشخصی ارتباط دارند که آن اسباب و علل یا در حدیث ذکر شده‌اند یا از آن استنباط می‌شوند و یا از واقعه‌ای که حدیث به دنبال آن بیان شده است، فهمیده می‌شوند. کسی که به طور عمیق به موضوع نگاه کند، می‌فهمد احادیثی که مطابق شرایطی بیان شده‌اند، زمینه خاصی برای تحقق مصلحتی معتبر، پوشیده شدن مفسده‌ای مشخص یا معالجه مشکلی که در آن

۱۵. مقایح علوم الحدیث، ص ۱۲۶.

۱۶. تلخیص مقیاس الهدایة، ص ۲۴۳.

۱۷. همان.

۱۸. مستدرکات مقیاس الهدایة، ج ۵، ص ۲۸۵ (با اندکی تلخیص).

زمان به وجود آمده است، بوده‌اند و معنای آن، این است که گاهی پنداشته می‌شود حکم حدیث، عام و دایمی است، اما با دقت در آن مشخص می‌شود که حکم حدیث مبنی بر علتی است که با زوال آن علت، حکم نیز از بین می‌رود و با بقای آن، حکم نیز به قوت خود باقی است.

پس برای فهم درست و دقیق حدیث، چاره‌ای نیست جز شناخت شرایطی که در آن شرایط، حدیث برای تبیین یا علاج آن گفته شده است تا این‌که مراد حدیث، به خوبی مشخص شود و مورد ابهام واقع نشود یا خلاف مقصود مورد نظر قرار نگیرد.

مشخص است که علمای ما، شناخت اسباب نزول قرآن را در فهم نیکوی قرآن، مؤثر دانسته‌اند. پس وقتی اسباب نزول قرآن بر کسی که قرآن را می‌فهمد یا تفسیر می‌کند، مطلوب است، اسباب ورود حدیث مطلوب‌تر است؛ زیرا قرآن عام و جاودان است و در شأن آن نیست که به جزئیات و تفصیلات بپردازد و فقط مبادی و عبرت‌های آنها را بیان می‌کند، اما سنت بسیاری از مشکلات موضعی و جزئی را حل می‌کند و در آن خصوصیات و تفصیلاتی هست که در قرآن نیست.

بنابراین، باید بین خاص و عام، موقت و دایمی و جزئی و کلی فرق گذاشته شود؛ زیرا هر کدام دارای حکمی هستند و توجه به سیاق، شرایط و اسباب، به فهم درست کمک می‌کنند.^{۱۹}

هر چند مطالب گفته شده می‌تواند درست باشد، اما به نظر می‌رسد چنین نیست که تمام احادیث، با توجه به سبب صدورشان قابل فهم باشند و درک آنها وابسته به سبب صدورشان باشد، بلکه بسیاری از آنها به خودی خود دارای معنای واضح و روشنی هستند و سبب صدور، فقط مصداقی خارجی و نمونه‌ای است که حدیث، درباره آن گفته شده است. همچنین، بعضی از اسباب صدور احادیث، فقط برای آگاهی (صیرف علم) نقل شده‌اند و تاثیر چندانی در فهم احادیث ندارند؛ مانند بعضی از سؤال‌هایی که همراه پاسخ‌های معصومان علیهم‌السلام نقل شده‌اند و یا بعضی از جریان‌هایی که معصومان علیهم‌السلام در حین وقوع آنها و در موقعیت‌های مختلف آنها، سخن گفته‌اند.^{۲۰}

اما مفهوم بعضی از احادیث به راحتی قابل درک نیست و سبب صدور آنها می‌تواند نقش مؤثری در فهم آنها داشته باشد و به عنوان قرینه‌ای خارجی، روشن‌گر معنای حدیث و برطرف‌کننده ابهام آن باشد. بنابراین، آشنایی با زمان، مکان، افراد و سایر اوضاع و شرایط مربوط به چنین احادیثی، تأثیر بسزایی در کشف مراد و مقصود کلام معصومان علیهم‌السلام دارد و عدم توجه به این امور می‌تواند موجب خطای در فهم و برداشت نادرست شود. هنگامی که چنین احادیثی بیان و تفسیر آیات قرآن کریم باشند، موضوع حساس‌تر می‌شود و ضرورت توجه به سبب صدور آنها برای فهم درست احادیث و در نتیجه درک صحیح و دقیق تفسیر آیات، بیشتر می‌شود.

۱۹. کیف تعامل مع السنّة النبویة، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

۲۰. لازم به ذکر است که بعضی دیگر از سؤال‌ها و جریان‌هایی را که راویان، همراه احادیث نقل کرده‌اند یا جهت فهم احادیث و یا برای جلوگیری از سوء استفاده از احادیث بوده است. همچنین، ممکن است راویان آنها را از روی ناچاری برای جلوگیری از ناقص شدن مطلب، همراه احادیثشان نقل کرده باشند.

از سوی دیگر، سخنان معصومان علیهم السلام، دارای وجوه معنایی هستند؛ همان گونه که امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند:

قرآن بر هفت حرف نازل شده است و امام می‌تواند حدّ اقل بر هفت وجه فتوا دهد.

سپس فرمودند:

این عطای ماست. پس می‌توانیم آن را بدون حساب ببخشیم یا نبخشیم.^{۲۱}

بنابراین، چنین نیست که حدیث فقط در چارچوب سبب صدورش معنا شود، بلکه سبب صدور می‌تواند روشن کننده یکی از معانی حدیث باشد. به عبارت دیگر، معنای اولیه حدیث را می‌توان با استفاده از سبب صدور آن به آسانی درک کرد و معانی دیگر را در زمینه مقصود اصلی حدیث، می‌توان از آن استنباط کرد.

آثار و کتب مربوط به اسباب صدور احادیث

دقیقاً معلوم نیست که نگارش مطالب مربوط به این موضوع از چه زمانی آغاز شده است. این علم یکی از انواع علوم حدیث است که بیشتر علمای متقدم در علوم حدیث و اصول آن، به این موضوع نپرداخته‌اند و در کتبی که در فن علم الحدیث نوشته‌اند، آن را ذکر نکرده‌اند.^{۲۲}

دکتر یحیی اسماعیل^{۲۳} می‌نویسد:

این که از چه زمانی تصنیف نویسی در این موضوع شروع شد، امری است که مصادر، جز در موارد نادری به آن اشاره نکرده‌اند.^{۲۴}

سیوطی^{۲۵} می‌گوید:

یکی از متقدمان، تألیفی در این موضوع دارد، ولی اطلاعی از آن ندارم و فقط در شرح حال نویسنده، ذکری از آن کرده‌اند و حافظ ابوالفضل بن حجر در شرح تفسیر آن را ذکر کرده است.^{۲۶}

ابن دقیق العید^{۲۷} می‌نویسد:

یکی از متأخران اهل حدیث شروع به کار تصنیف در اسباب حدیث کرد. همان طوری که در باب

۲۱. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۴۹.

۲۲. الوسیط، ص ۴۶۶.

۲۳. وی کتاب اسباب ورود الحدیث سیوطی را تحقیق کرده و به عنوان رساله دکتری ارائه داده است.

۲۴. اسباب ورود الحدیث، ص ۵۸.

۲۵. جلال الدین، عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، در سال ۸۴۹ق، در مصر متولد شد و در سال ۹۱۱ق، در قاهره وفات یافت. او پیشوا، حافظ، مورخ و ادیب بوده و حدود شصت تصنیف داشته است؛ از جمله: الاثقان فی علوم القرآن، تدریب الراری و تفسیر در المنثور (الاعلام، ج ۳، ص ۳۰۱).

۲۶. اسباب ورود الحدیث، ص ۱۰۷.

۲۷. محمد بن علی بن وهب بن مطیع، ابوالفتح، تقی الدین قشیری - که مانند پدر و جدش به ابن دقیق العید معروف است - قاضی و از بزرگان علم اصول است. در سال ۶۲۵ق، در ینبع متولد شد و در سال ۷۰۲ق، در قاهره وفات یافت. از آثار او احکام الاحکام در حدیث، تحفة الیبیب فی شرح التقریب، شرح اربعین حدیثاً للثوری و ... هستند (الاعلام، ج ۶، ص ۲۸۳).

اسباب نزول قرآن کریم تصنیفاتی وجود دارد و من بر مقدار ناچیزی از آن، آگاهی یافتیم.^{۲۸}
صاحب مفتاح السعادة نیز می‌گوید:

شنیدم که تصنیفاتی در این زمینه وجود دارد، اما آنها را ندیده‌ام.^{۲۹}

از سخنان فوق می‌توان نتیجه گرفت که مطالب کمی درباره سبب صدور احادیث نوشته شده است. بعضی از آثار نوشته شده در این زمینه هم رؤیت نشده‌اند. بنابراین، جز سه اثر مستقلی که در این زمینه نوشته شده است و به آنها اشاره خواهد شد، در بقیه موارد فقط به نام مصنف اشاره شده است. اینک به معرفی آنها می‌پردازیم:

۱-۳-۱. تصنیف ابوحفص العکبری^{۳۰}

ابن حجر می‌گوید:

یکی از شیوخ قاضی ابی یعلی ابن الفراء حنبلی^{۳۱} به نام ابوحفص العکبری در این زمینه تصنیفی دارد.

و تقی‌الدین بن دقیق العید گفته است:

یکی از معاصران عکبری شروع به نوشتن تصنیفی در این زمینه کرده است.

گویی که ابن دقیق، تصنیف عکبری را ندیده^{۳۲} که چنین سخنی را گفته است. درباره تصنیف مذکور تاکنون غیر از اسمش، اطلاعی به دست نیامده است.^{۳۳} به عقیده بعضی^{۳۴} این تصنیف، اولین اثر و به عقیده بعضی دیگر^{۳۵} دومین اثر، در باب اسباب ورود حدیث است.

۱-۳-۲. تصنیف ابوحامد بن کوتاه الجوباری^{۳۶}

اسامی دیگری که درباره نویسنده آن وجود دارد، عبارت‌اند از: ابوحامد بن کزناه الجوباری^{۳۷}، حامد بن کزناه الجربانی^{۳۸} یا الجربانی^{۳۹}. این تفاوت‌ها احتمالاً به خاطر سهو در نگارش و ضبط بوده

۲۸. احکام الاحکام، ص ۶۴.

۲۹. مفتاح السعادة، ص ۳۴۲.

۳۰. عمر بن محمد بن رجا، ابوحفص العکبری، معروف به درستکاری و پرهیزگاری بود و در سال ۳۹۹ ق، وفات یافت (منهج الاحمد، ج ۲، ص ۳۹).

۳۱. محمد بن حسین بن محمد بن خلف بن الفراء، ابویعلی که در سال ۳۸۰ ق، متولد شد و در سال ۴۵۸ ق، وفات یافت. در اصول، فروع و انواع فنون اهل بغداد، عالم زمان خویش بود. از آثارش می‌توان الکفایة فی اصول الفقه، احکام القرآن، هیون المسائل و... را نام برد (الاعلام، ج ۶، ص ۱۰۰).

۳۲. شرح نخبة الفكر، ص ۱۴۴.

۳۳. اسباب ورود الحدیث، ص ۵۸.

۳۴. الوسیط، ص ۴۷۶.

۳۵. الفیة الحدیث، ص ۹۱.

۳۶. تدویب الزاری، ص ۳۹۴.

۳۷. الفیة الشیوطی، محمد شاکر، ص ۱۰۶؛ شرح الفیة الشیوطی، الشیرازی، ج ۲، ص ۱۷۶؛ المصباح، ص ۱۳۵.

۳۸. منهج ذوی النظر، ص ۲۵۸.

است. لازم به ذکر است که هیچ یک از این اسامی در کتب رجالی یافت نشد و محققان هم شرح حالی برای وی پیدا نکرده‌اند.^{۴۰} به هر حال، غیر از اسمش اطلاع دیگری از این تصنیف نیست.^{۴۱} به نظر سیوطی^{۴۲}، این تصنیف، اولین اثر در باب اسباب صدور احادیث است و به عقیده بعضی دیگر^{۴۳} این تصنیف، دومین اثر، در این زمینه است. ذهبی^{۴۴} گفته است:

قبل از آن تألیفی در این زمینه وجود نداشته است.^{۴۵}

بعضی هم گفته‌اند:

منظور ذهبی این است که قبل از تصنیف ابی حفص العکبری، اثر دیگری در این زمینه وجود نداشته است.^{۴۶}

۳-۳-۱. تصنیف عبدالغنی بن سعید حافظ^{۴۷}

کسی به جز سیوطی، اشاره به این تصنیف نکرده است. وی می‌گوید:

از شخصی شنیدم که عبدالغنی بن سعید حافظ در زمینه اسباب ورود حدیث، تصنیف قابل توجهی دارد.^{۴۸}

۳-۳-۲. اسباب ورود الحدیث یا اللّمع فی اسباب الحدیث

اولین تألیف مستقلی که در این زمینه وجود دارد، کتاب مذکور است که نوشته جلال الدین سیوطی است. او پس از ذکر مقدمه‌ای بسیار کوتاه درباره مصنفان این موضوع به انواع حدیث سبب‌دار همراه با چند نمونه حدیثی اشاره کرده و سپس احادیث جمع‌آوری شده را در بعضی ابواب فقهی تنظیم و مرتب نموده و در هر باب ابتدا حدیث و سپس سبب یا اسباب آن را ذکر کرده است.

۳۹. الفیه الحدیث، ص ۹۱.

۴۰. محقق احمد محمد شاگر می‌گوید: شرح حال این مرد را پیدا نکردم (الفیه السیوطی، محمد شاگر، ص ۱۰۶، در شروع دیگر الفیه هم شرح حال وی وجود ندارد.

۴۱. اسباب ورود الحدیث، ص ۵۸.

۴۲. شرح الفیه السیوطی (الولوی)، ج ۲، ص ۱۷۶.

۴۳. الوسیط، ص ۴۷۶.

۴۴. محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز الذهبی، شمس الدین، ابو عبدالله در سال ۶۷۳ق، در دمشق متولد شد. او حافظ، مورخ، علامه و محقق بود و در سال ۷۴۸ق، در دمشق فوت کرد. از آثار او می‌توان سیر النبلاء، تذکرة الحفاظ، میزان الاعتدال و... را نام برد (الاعلام، ج ۵، ص ۳۲۶).

۴۵. تدویب الزاوی، ص ۳۹۴؛ شرح الفیه السیوطی (الولوی)، ج ۲، ص ۱۷۶.

۴۶. الوسیط، ص ۴۷۶.

۴۷. عبدالغنی بن سعید بن بشر بن مروان، ابو محمد ازدی مصری، حافظ، امام متقن و نسابه، در سال ۳۳۲ق، متولد شد و در علم حدیث و حفظ آن، امام زمانش بود و ثقه و مأمون بود. در هفتم صفر سال ۴۰۹ق، وفات یافت (تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۲۳۵ و ۲۳۶).

۴۸. اسباب ورود الحدیث، ص ۱۱۲.

۵-۳-۱. البیان و التّعریف فی اسباب ورود الحدیث الشریف

دومین تألیف مستقلی که در این زمینه وجود دارد، کتاب مذکور است که نوشته ابن حمزه دمشقی^{۴۹} است. او نیز در این کتاب، پس از ذکر مقدمه‌ای، احادیث را مانند کتب سنن مطابق حروف تهجی مرتب کرده و مطالبی به آن افزوده است.
به عقیده بعضی^{۵۰} این کتاب بسیار ناچیز و به عقیده برخی دیگر^{۵۱} جامع‌ترین کتاب در این زمینه است.

۶-۳-۱. اسباب الحدیث النبوی

این اثر، مقاله‌ای است که در فصل‌نامه علوم حدیث چاپ شده است^{۵۲} و در آن، نام مؤلفان، فواید شناخت سبب ورود، انواع سبب ورود و اقسام احادیث سبب‌دار، به صورت خلاصه آورده شده است. سپس نمونه‌هایی از احادیث کتب علمای شیعه^{۵۳} انتخاب شده و به ترتیب حروف معجم، همراه با سبب صدورشان ذکر شده است.

۷-۳-۱. جامع اللطیف لإسباب ورود الحدیث الشریف

این اثر، نسخه‌ای خطی است که تاکنون به چاپ نرسیده است. نویسنده آن می‌گوید:
من در حال نگارش کتابی بزرگ به نام جامع اللطیف لإسباب ورود الحدیث الشریف هستم که خداوند اتمام آن را بر من آسان گرداند.^{۵۴}

۲. اسباب صدور احادیث

۱-۲. انواع احادیث با توجه به اسباب صدورشان

قبل از هر چیز باید گفت که احادیث را با توجه به اسباب صدورشان می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

۱-۱-۲. احادیث دارای سبب صدور خاص

احادیثی هستند که به دنبال پرسش، مناسبت، وقوع حادثه یا به وجود آمدن وضعیتی یا جریانی بیان شده‌اند.

۴۹. او سید ابراهیم بن محمد، کمال‌الذین، مشهور به ابن حمزه حسینی حنفی دمشقی یکی از اعلام محدّثین بوده که در فنون مختلف مهارت داشته است. در سال ۱۰۵۴ ق، متولد شد و در سال ۱۱۲۰ ق، وفات یافت (البیان و التّعریف فی اسباب ورود الحدیث، ج ۱، ص ۲۹).

۵۰. اسباب ورود الحدیث، ص ۵۹.

۵۱. معالم السنّة النبویة، ص ۱۹۷.

۵۲. «اسباب الحدیث النبوی»، فصلنامه علوم الحدیث، ش ۲، ص ۵۸-۱۰۶ و ش ۴، ص ۴۵-۱۰۳.

۵۳. بعضی از کتبی که از احادیث آنها استفاده شده است، عبارت‌اند از: الامالی شیخ صدوق، الامالی شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ثواب الاعمال، الکافی، معانی الاخبار، صحیفة الزّهاد و حلل الشّرایع.

۵۴. النکت علی نزّه النظر، ص ۲۰۹.

۲-۱-۲. احادیث فاقد سبب صدور خاص

احادیثی هستند که دارای هیچ گونه سبب صدوری نیستند و راوی پس از ذکر سلسله سند، کلام معصوم ﷺ را نقل می‌کند. این احادیث به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف. احادیثی که دارای سبب صدور عام هستند؛ این گروه شامل احادیثی می‌شوند که به دنبال سؤال، حادثه یا جریان خاصی بیان نشده‌اند، بلکه سبب و انگیزه عام و کلی داشته‌اند که عبارت است از نیازهای انسان‌ها به رهنمودهای پیشوایان دینی برای تکمیل عقل و اندیشه خود و انجام عمل صالح و درست؛ یعنی چون معصومان ﷺ نیاز انسان‌ها را به راهنمایی ضروری می‌دانستند، لذا در فرصت‌های مناسب، احادیثی را جهت موعظه، هدایت و ارشاد بیان می‌کردند.

ب. احادیثی که سبب صدورشان نقل نشده است؛ این گروه شامل احادیثی می‌شود که عواملی موجب عدم نقل اسباب صدور آنها شده‌اند.

۲-۲. عوامل عدم نقل و نگارش اسباب صدور احادیث

با مراجعه به تاریخ حدیث و بررسی ادوار مختلف نقل و نگارش حدیث، می‌توان عواملی را که احتمالاً در عدم نقل سبب صدور احادیث موثر بوده‌اند، به ترتیب زیر دسته‌بندی کرد:

۱-۲-۲. عوامل مخصوص هر دوره

الف. در زمان پیامبر اکرم ﷺ مسلمانانی که تازه اسلام آورده بودند و ذوق و شوق زیادی برای شنیدن سخنان پیامبر ﷺ داشتند، بسیاری از سخنان آن حضرت را به جهت یادگیری و به کارگیری می‌شنیدند و بیشتر توجه آنان به اصل کلام پیامبر ﷺ و حفظ آن بود و توجه چندانی به مسائل حاشیه‌ای از جمله سبب صدور حدیث نداشتند. بنابراین، هنگام نقل احادیث، بسیاری از اسباب صدور را نقل نمی‌کردند.

ب. به تدریج که تعداد مسلمین افزایش یافت و پیامبر ﷺ هم بر نقل و نگارش احادیث تأکید فرمودند، احتمالاً مسلمانان به دلیل محدودیت نوشت افزار، فقط به نوشتن اصل حدیث اکتفا می‌کردند و از نوشتن مطالب جانبی از جمله سبب صدور احادیث خودداری می‌کردند.

ج. همان طوری که کلام الهی برای مسلمین، دارای ارزش و اهمیت ویژه‌ای بود و هر مطلبی را در کنار آن نمی‌نوشتند، کلام پیامبر ﷺ هم برای آنان دارای قدر و منزلت بود و به خاطر ارزشی که برای آن قابل بودند، حاضر به نوشتن مطالب دیگری در کنار آن نبودند.

د. در زمان ممنوعیت نقل و نگارش حدیث از سوی خلفا، راویان فقط می‌توانستند مطالب ضروری را بیان کنند و فرصت بیان مفصل حدیث همراه با سبب صدور وجود نداشت. به این ترتیب، نقل‌های سینه به سینه تا چند نسل انجام گرفت و بیشتر، خود حدیث، حفظ و نقل می‌شد تا سبب صدور آن و بسیاری از اسباب صدور حدیث فراموش می‌شد. البته در همین زمان، کسانی که

طرفدار حکومت بودند، به راحتی احادیث مورد تأیید خلفا را نقل می‌کردند و فرصت بیان سبب صدور آنها را هم داشتند.

ه. در ادوار بعد - که حکام جور بر مسند خلافت بودند و ائمه علیهم‌السلام در محدودیت قرار داشتند - شرایط تقیّه حاکم بود و فرصت نقل احادیث همراه با سبب صدور آنها نبود و فقط ضرورت‌ها گفته می‌شد. بسیاری از اصحاب ائمه علیهم‌السلام نیز به خاطر نقل حدیث راهی زندان می‌شدند. لازم به ذکر است که در این ادوار، همانند دوران حاکمیت خلفای قبلی، طرفداران دولت حاکم، آزادانه احادیث را نقل و نگارش می‌کردند و سبب صدور آنها را نیز ذکر می‌کردند. این یکی از دلایلی است که موجب شده تا کتب حدیثی اهل سنت مملو از سبب صدور باشد و روایان سنی توجه بیشتری به نقل سبب صدور کنند. و این احتمال وجود دارد که وقتی احادیث به دست فقها رسید، چون آنها اصل حدیث را برای استنباط حکم شرعی لازم داشتند، لذا به سبب صدور آن توجهی نکرده، آن را حذف کرده باشند. همچنین، هنگامی که حدیث را تقطیع کردند و آن را در باب‌های مختلف نوشتند، سبب صدور آن به کلی حذف شد.

۲-۲-۲. عوامل عمومی

غیر از عواملی که به طور خاص در هر دوره موجب عدم نقل و نگارش سبب صدور احادیث شده است، عوامل دیگری وجود دارند که به طور عمومی در تمام ادوار نقل و نگارش حدیث می‌توانند در عدم نقل و نگارش سبب صدور احادیث موثر بوده باشند. این عوامل عبارت‌اند از:

الف. چون روایان در متن حادثه بودند، حوادث برای آنان معلوم و مشخص بود و نمی‌پنداشتند که نقل خود حادثه هم مهم است و احتمال فایده‌ای در آن نمی‌دیدند، بلکه بیشتر به کلام معصوم علیه‌السلام توجه داشتند. در نتیجه، سبب صدور احادیث را نقل نکردند.

ب. بسیاری از روایان پس از شنیدن کلام معصوم علیه‌السلام بلافاصله آن را نمی‌نوشتند، بلکه حفظ می‌کردند و آن را پس از خروج از محضر معصوم علیه‌السلام در فرصتی مناسب یادداشت می‌کردند و در هنگام نوشتن سعی می‌کردند کلامی را که از معصوم علیه‌السلام شنیده و حفظ کرده بودند، بنویسند؛ نه حوادث و مطالب مربوط به آن را.

ج. ممکن است به نظر بعضی از روایان، ذکر برخی از اسباب صدور حدیث بی‌فایده بوده، تأثیری در فهم حدیث نداشته باشند و لذا آنها را نقل نکرده‌اند.

د. ممکن است چند راوی در محضر معصوم علیه‌السلام بوده باشند و بعضی از آنها سبب صدور حدیث را نقل کرده و بعضی دیگر نقل نکرده باشند. بنابراین، ممکن است یک حدیث در بعضی از سلسله سندهای خود دارای سبب صدور و در بعضی دیگر از سلسله سندها فاقد آن باشد.

ه. احتمال دارد بعضی از اسباب صدور احادیث، ذکر شده باشند، اما به دلایلی از بین رفته و در نتیجه، توسط روایان بعدی نقل نشده باشند؛ مثلاً همراه با کتاب حدیثی مفقود شده باشند یا

عده‌ای از راویان، ضرورتی برای وجود آنها در کنار احادیث و در کتب حدیثی نمی‌دیدند و آنها را حذف کرده باشند و یا بعضی از راویان عمداً و از روی غرض‌ورزی آنها را از بین برده باشند؛ مثلاً ممکن است حدیثی در مدح یا نکوهش بعضی افراد گفته شده و سبب صدور حدیث اشاره به نام آن افراد داشته باشد و مغرضان سبب صدور آن را حذف کرده باشند.

و. بعضی از سبب‌صدورها که در آنها سؤال پرسشگر یا وقوع حادثه‌ای نقل شده است، جزئی و قابل ذکر بودند، اما بعضی از اسباب صدور حدیث کلی بودند؛ مانند بحث‌های متوالی درباره یک موضوع، طی چند روز یا چند هفته یا چند ماه؛ از جمله، جلسه‌های تفسیر آیات قرآن کریم، جلسه‌های توضیح مسائل شرعی یا اصول اعتقادی، جلسه‌های ردّ شبهات روز و... در این گونه موارد، چون سبب‌صدورها کلی بودند، در هنگام نقل احادیث چندان مورد توجه نبودند و راویان فقط احادیث معصومان علیهم‌السلام را - که در جلسات بیان می‌کردند - نقل کرده‌اند.

۲-۲-۳. مهم‌ترین عوامل عدم نقل و نگارش اسباب صدور احادیث

هر چند ممکن است موارد ذکر شده از عوامل عدم نقل و نگارش سبب صدور احادیث قلمداد شوند، اما به نظر می‌رسد دو عامل مهم دیگری نیز وجود داشته که نقش بسیار زیادی در عدم نقل و نگارش سبب صدور احادیث داشته‌اند و نقش آنها نسبت به عوامل دیگر آن قدر زیاد است که می‌توان آنها را مهم‌ترین عوامل به حساب آورد. آن دو عامل عبارت‌اند از: جلوگیری از حصر معنای حدیث در سبب صدور و اجتناب از برداشت‌های سطحی، نادرست و محدود. برای روشن شدن مطلب، دو بحث مهم ذیل به عنوان مقدمه ارائه می‌شوند و سپس توضیحاتی درباره آن دو عامل داده می‌شود.

الف. اسباب خاص و احکام عام؛ معصومان علیهم‌السلام، تبیین‌کننده معارف الهی بوده‌اند و غرض کلی حاکم بر سخنان ایشان، تشریح شریعتی بوده است که برای همیشه مورد استفاده باشد. بنابراین، اگر بخشی از بیانات ایشان به لحاظ مصادف شدن با یک حادثه یا جریانی بیان شده است، به این معنا نیست که معنای حدیث محصور به آن مورد خاص باشد، بلکه سبب صدور حدیث، بیان مصداق و نمونه‌ای است که حدیث درباره آن گفته شده است. لذا حدیث مصداق‌های خود را در طول زمان شامل می‌شود و در موارد مشابه سریان و جریان دارد؛ یعنی برای هر شخص دیگری که آن جریان اتفاق بیافتد، حکم حدیث درباره او نافذ است.

بنابراین، یک جریان خاص نمی‌تواند کلیت و عمومیت کلام معصوم علیه‌السلام را محدود سازد و موجب انحصار آن شود؛ زیرا اگر چنین بود، کاربرد عملی بسیاری از احادیث از بین می‌رفت و در سایر موارد قابل استفاده نبودند و با از بین رفتن اسباب صدور حدیث باید احکام و مفاهیم حدیث نیز غیر قابل استفاده می‌شدند. پس می‌توان گفت که کلام معصوم علیه‌السلام عام و شامل تمام افراد است یعنی، برای تمام انسان‌ها در هر مکان و زمانی قابل استفاده است.

ب. تفکر و تدبیر در احادیث؛ گاهی توجه به سبب صدور حدیث، موجب می‌شود که تأملی در خصوص خود حدیث صورت نگیرد و باعث شود که تنها از دریچه سبب صدور، به حدیث نگریسته شود و در نتیجه، مفهوم حدیث تحت تأثیر سبب صدور قرار گیرد. ثمره این یک‌سونگری این است که افراد برای فهم حدیث، بدون تفکر و تدبیر درباره آن، بلافاصله به سبب صدور مراجعه کنند که این امر موجب عدم شکوفایی فکر و اندیشه و بسته ذهنی خواهد شد و ذهن بسته، دین را غیر قابل انعطاف و غیر قابل اجرا عرضه می‌کند در صورتی که تفکر و تدبیر، موجب جلوگیری از برداشت‌های محدود و نادرست می‌شود و جامعه را از خطر انحراف نجات می‌دهد.

با عنایت به این که معصومان علیهم‌السلام انسان‌هایی حکیم، دوراندیش و انسان شناس بوده‌اند و مخاطب آنها همه انسان‌ها در تمامی اعصار هستند، لذا کلام ایشان تنها در حصار بسته و فضای محدود سبب صدور معنا نمی‌شود، بلکه معنای آن فراتر از سبب صدور است و دریایی از معارف و معانی عمیق در آن نهفته است که هر انسانی می‌تواند به اندازه ظرفیت فکری خویش و مطابق با نیازهای زمان و بر اساس مبانی اسلامی از آن بهره ببرد.

بنابراین، برای جلوگیری از برداشت‌های سطحی و متجذرانه و همچنین استفاده بیشتر از روایات، باید به نیازهای زمان توجه کرد و با تفکر و تدبیر در احادیث، مطالب جدیدی را بر اساس معیارهای دینی و مبانی اسلامی، از آنها برداشت کرد که این، باعث پویایی فکر در فهم و درک احادیث گردیده و موجب جلوگیری از جمود فکری و بسته شدن باب اجتهاد شده و نیازهای زمان هم برطرف می‌شوند.

از سوی دیگر، اگر بنا باشد احادیث فقط در حیطه سبب صدور معنا پیدا کنند، پس تکلیف روایاتی که فاقد سبب صدور هستند، چه می‌شود؟ آیا آنها باید معطل و بدون استفاده بمانند؟ پر واضح است که با استفاده از قوه عقل و تفکر و تدبیر می‌توان معانی آنها را دریافت کرد و از آنها بهره‌مند شد.

همچنین ممکن است در بعضی از سبب‌ها، جعل یا تحریف صورت گرفته باشد؛ لذا اگر حدیثی با توجه به سبب صدور جعلی یا تحریف شده معنا شود، از آن برداشت نادرستی خواهد شد. این مطلب، دلیل دیگری است بر آن که نباید احادیث را تنها در حیطه سبب صدورشان معنا کرد، بلکه باید با اندیشیدن و تأمل در احادیث، معانی آنها را دریافت کرد.

با توجه دو بحث مذکور، می‌توان نتیجه گرفت که رویه صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام به این صورت بوده است که ایشان، بر طبق تعالیمی که از پیشوایان خود گرفته بودند، اعتقاد داشتند که توجه به سبب صدور و نقل آن ممکن است باعث حصر معنای حدیث در آن مورد خاص شود. مؤید این بحث این است که هیچ یک از معصومان علیهم‌السلام، دستور یا تأکیدی مبنی بر نوشتن سبب صدور احادیث نداشته‌اند. بنابراین، صحابه برای جلوگیری از حصر معنای حدیث در سبب صدور و اجتناب از

برداشت‌های سطحی، محدود و نادرست، سبب صدور احادیث را نقل نکرده‌اند؛ زیرا کلام معصوم ﷺ را به تنهایی جامع و مانع می‌دانستند و اگر در مواردی، سبب صدور را نقل کرده‌اند، یا احتمال کج‌فهمی و اشتباه در برداشت را می‌دادند و یا قصد جلوگیری از سوء استفاده از حدیث را داشتند. بنابراین، اگر صحابه معنای حدیث را واضح و روشن می‌دیدند و احتمال می‌دادند که نقل سبب صدور ممکن است موجب حصر معنای حدیث شود، آن را نقل نمی‌کردند؛ اما اگر احتمال می‌دادند که فهم حدیث بستگی به نقل سبب صدور دارد و بدون آن قابل فهم نیست و ممکن است عدم نقل آن، موجب برداشت نادرست از حدیث شود و نیز اگر احتمال سوء استفاده از حدیث را می‌دیدند، سبب صدور را نقل می‌کردند.

۲-۳. موضوعات اسباب صدور احادیث

سبب صدور حدیث از نظر موضوع، ممکن است در رابطه با آیه، حدیث، سؤال و مسائل دیگری نقل شده باشد که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱-۳-۲. سبب صدوری که در ارتباط با آیه قرآن مجید است

گاهی به این صورت است که آیه‌ای از آیات که دارای صیغه عام است، نازل می‌شود و از آن اراده خاص می‌شود؛ مانند این فرموده خداوند متعال: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ».^{۵۵}

بعضی از صحابه چنین دریافتند که مراد از ظلم در این آیه، ستم و تجاوز کردن از حد است و به این خاطر، برای شکایت نزد پیامبر ﷺ آمدند و ایشان آنها را آگاه کردند که مراد از ظلم در این آیه، شرک است.^{۵۶}

ترجمه اصل حدیث با سبب صدور آن چنین است:^{۵۷}

عبدالله بن مسعود می‌گوید: وقتی آیه «الَّذِينَ آمَنُوا»^{۵۸} نازل شد، بر اصحاب رسول خدا ﷺ دشوار آمد و گفتند: «ایمان کدام یک از ما با ظلم آلوده نشده است؟» پس رسول خدا ﷺ فرمودند: «این طور نیست که شما فکر می‌کنید. مگر نشنیده‌اید سخن لقمان را به پسرش که گفت: "إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ"»^{۵۹}.

گاهی هم به این صورت است که آیه مشکلی نازل می‌شود و نیاز به توضیح دارد؛^{۶۰} مانند این‌که: ابی‌بصیر می‌گوید: از امام صادق ﷺ درباره این سخن که خداوند ﷻ فرموده است: «و کسانی که

۵۵. کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، آنان راست‌ایمنی و ایشان ره یافتگان‌اند (سوره انعام، آیه ۸۲).

۵۶. اسباب ورود الحدیث، ص ۴۳.

۵۷. همان، ص ۴۳.

۵۸. سوره انعام، آیه ۸۲.

۵۹. به راستی شرک، ستمی بزرگ است (سوره لقمان آیه ۱۳).

۶۰. اسباب ورود الحدیث، ص ۴۳.

چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کر و کور روی آن نمی‌افتند»، سؤال کردم، فرمودند: «یعنی، کسانی که دارای بصیرت هستند و در دل شک و تردید ندارند».

۲-۳-۲. سبب صدوری که در ارتباط با حدیثی غیر از حدیث خودش است

به این صورت که پیامبر ﷺ حدیثی بیان می‌کند و فهم آن برای بعضی از صحابه مشکل است. سپس پیامبر ﷺ حدیث دیگری برای رفع اشکال آن بیان می‌کند؛^{۶۱} مانند:

۱. انس می‌گوید: چون جنازه‌ای از برابر پیامبر ﷺ عبور می‌دادند و خوبی او را می‌گفتند، سه بار فرمود: «بر او واجب شد». جنازه دیگری از برابر وی عبور دادند که بدی او را می‌گفتند، سه بار فرمود: «بر او واجب شد». پس گفتند: «ای پیامبر خدا، سخن شما درباره جنازه اول - که خوبی آن گفته می‌شد - و درباره جنازه دوم - که بدی آن گفته می‌شد - به یک صورت بود». فرمود: «بله ای ابوبکر، خداوند ملائکه‌ای دارد که بر زبان آدم به آنچه درباره خوبی و بدی کسی گفته می‌شود، سخن می‌گویند».^{۶۲}

۲. امام علی ﷺ فرمود: رسول خدا ﷺ به پیرزن بی‌دندانی خبر داد که پیرزن بی‌دندان وارد بهشت نمی‌شود. پیرزن به گریه افتاد. پیامبر ﷺ فرمود: «چرا گریه می‌کنی؟» پاسخ داد: «ای رسول خدا، من دندان ندارم». پیامبر ﷺ خندید و فرمود: «به این صورت وارد بهشت نمی‌شوی»^{۶۳} (یعنی، جوان شده و سپس وارد بهشت می‌شود).

۲-۳-۳. سبب صدور مربوط به امور شنوندگان از صحابه باشد^{۶۴}

گاهی صحابه نزد معصومان ﷺ می‌آمدند و مطالبی از امور شخصی خود را به ایشان می‌گفتند و راهنمایی می‌خواستند. آنها نیز با سخنان خویش، صحابه را راهنمایی می‌کردند؛ مانند:

۱. امام صادق ﷺ از پدرش نقل می‌کند که مردی از انصار نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: «ای رسول خدا، دوست دارم که گواهی دهی بر این که نخلی را به پسر می‌بخشم». فرمود: «آیا غیر از او فرزندی نداری؟» گفت: «بله». فرمود: «برای آنها نیز به همان صورت بخشیده‌ای که به این فرزند بخشیدی؟» گفت: «نه». فرمود: «ما گروه انبیا بر ستمگر گواهی نمی‌دهیم».^{۶۵}

۲. امام صادق ﷺ از پدرش و او از جدش ﷺ نقل می‌کند که مردی بادیه نشین به نام قلیب نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: «ای رسول خدا، یک بار چنین و چنان برای حج آماده شدم، اما برایم مقدور نشد». پیامبر فرمود: «ای قلیب، به نماز جمعه برو که حج مساکین است».^{۶۶}

۶۱. همان. لازم به ذکر است که این مطلب شامل احادیث سایر معصومان ﷺ هم می‌شود.

۶۲. همان، ص ۴۴.

۶۳. الجعفریات، ص ۱۹۱.

۶۴. اسباب الورد الحدیث، ص ۴۴.

۶۵. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۶۹.

۶۶. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۱۱.

۲-۳-۴. سبب صدور، سؤال سائل است ۶۷

گاهی اوقات فردی از معصوم ﷺ سؤالی می‌پرسید و ایشان در پاسخ او حدیثی بیان می‌کردند؛ مانند:

۱. امام صادق ﷺ فرمود: مردی گفت: «ای رسول خدا، با چه کسی از دواج کنیم؟» فرمود: «با کسانی که هم کفو شما هستند». گفت: «آنها کیستند؟» فرمود: «بعضی از مؤمنان هم کفو بعضی دیگرند». ۶۸.

۲. امام علی ﷺ فرمود: مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: «ای رسول خدا، چه شده که من مرگ را دوست ندارم؟» فرمود: «آیا مالی داری؟» گفت: «بله». فرمود: «آیا آن مال را پیش فرستاده‌ای (تا ذخیره آخرت گردد)؟» گفت: «نه». فرمود: «به این سبب مرگ را دوست نداری؛ زیرا قلب انسان نزد مالش است». ۶۹.

نتیجه

در یک جمع بندی کلی می‌توانیم به نتایج حاصل از مباحث مطرح شده به صورت ذیل اشاره کنیم:
الف. سبب صدور حدیث عبارت است از امری (حادثه‌ای، مناسبتی، پرسشی، نیازی، موضوعی و...) که موجب می‌شود یکی از معصومان ﷺ به خاطر آن یا درباره آن حدیثی را بیان کند.

ب. علم اسباب صدور احادیث یکی از انواع علوم حدیثی است و بعضی آن را جزء فقه الحدیث می‌دانند و موضوع آن شناخت و بررسی علل و اسبابی است که معصومان ﷺ به دنبال آنها حدیثی را بیان فرموده‌اند.

ج. درباره اهمیت شناخت اسباب صدور احادیث می‌توان گفت که بعضی از احادیث دارای معنای واضح و روشنی هستند و بدون توجه به سبب صدورشان مفهوم آنها قابل فهم است، اما شناخت اسباب صدور احادیث تاثیر بسزایی در فهم سایر احادیث دارد و بدون توجه به آن اسباب معنای روایت قابل فهم نخواهد بود و یا برداشت نادرستی از آنها خواهد شد.

د. بعضی از آثاری که در این زمینه نوشته شده، رؤیت نشده است و سه اثری که در این مورد موجود است، عبارت‌اند از: الف. کتاب اسباب ورود الحدیث، ب. کتاب البیان و التعریف فی اسباب ورود الحدیث، ج. مقاله «اسباب الحدیث النبوی».

ه. مهم‌ترین فواید شناخت اسباب صدور احادیث عبارت‌اند از:

۱. ایجاد بصیرت در فهم حدیث، ۲. تخصیص عام، ۳. تقیید مطلق، ۴. تبیین مجمل، ۵. بیان علت حکم، ۶. شناخت احادیث تقیه‌ای، ۷. رفع تعارض، ۸. تبیین نسخ، ۹. ترجیح بین احادیث، ۱۰. رفع ابهام از کلمات و عبارات نامفهوم، ۱۱. آشنایی با شیوه معصومان در بیان

۶۷. اسباب الحدیث، ۴، فصلنامه علوم الحدیث، ش ۲، ص ۶۲.

۶۸. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۷.

۶۹. الجعفریات، ص ۲۱۱.

- مطالب، ۱۲. آشنایی با افرادی که حدیث خطاب به آنها و یا درباره آنها صادر شده است، ۱۳. ایجاد تسهیل در حفظ احادیث.
- و. احادیث را با توجه به اسباب صدورشان می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:
۱. احادیث دارای سبب صدور خاص که به دنبال سؤال حادثه یا جریانی بیان شده‌اند؛
 ۲. احادیث فاقد سبب صدور خاص که هیچ‌گونه سببی برای آنها نقل نشده است.
- ز. احادیثی که فاقد سبب صدور هستند به دو دسته قابل تقسیم‌اند:
۱. احادیثی که دارای سبب صدور عام هستند؛ یعنی به دنبال سؤال یا جریانی بیان نشده‌اند و معصومان آنها را جهت ارشاد، موعظه و هدایت انسان‌ها بیان فرموده‌اند؛
 ۲. احادیثی که سبب صدورشان نقل نشده است. این احادیث دارای سبب صدور بوده‌اند؛ اما به دلایلی، مانند توجه بیش از اندازه به خود حدیث، محدودیت نوشت افزار، ممنوعیت نقل و نگارش حدیث، شرایط تقیه، حفظ سینه به سینه سبب صدورشان نقل نشده است و یا اصحاب معصومان علیهم‌السلام برای جلوگیری از حصر معنای حدیث و اجتناب از برداشت‌های سطحی و محدود آنها را نقل نکرده‌اند.

کتابنامه

- اسباب ورود الحدیث او اللمع فی اسباب الحدیث، جلال‌الدین عبدالرحمان بن ابی‌بکر بن محمد سیوطی، تحقیق: دکتر یحیی اسماعیل، دارالوفا، اول، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.
- الفیه الحدیث، جلال‌الدین عبدالرحمان بن ابی‌بکر بن محمد سیوطی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳م.
- بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵ق.
- البیان و التعریف فی اسباب ورود الحدیث الشریف، شریف ابراهیم بن محمد بن کمال‌الدین حسینی حنفی ابن حمزه دمشقی، بیروت: مکتبه العلمیه، اول، ۱۴۰۲ق / ۱۹۸۲م.
- أحكام الأحكام، تقی‌الدین ابن دقیق، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت: دارالجلیل، دوم، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۵م.
- تدریب الزاوی فی شرح تقریب النووی، جلال‌الدین عبدالرحمان بن ابی‌بکر بن محمد سیوطی، تحقیق: الف. احمد عمر هاشم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م. ب. عبدالوهاب عبداللطیف، مصر: دارالکتب الحدیثه.
- تلخیص مقباس الهدایه، علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۶۹ش.
- تهذیب الاحکام، ابی‌جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: محمد جواد فقیه، بیروت: دارالاضواء، اول، ۱۴۱۳ق.
- الجعفریات (الأسمیاء)، محمد بن محمد بن الأشعث الکوفی، تهران: مکتبه التینوی.
- شرح شرح نخبة الفكر فی مصطلحات الاثر، محمد القاری علی بن سلطان هروی، تحقیق: محمد

- نزار تمیم و هیثم نزار تمیم، بیروت: دارالارقم.
- شرح نخبة الفكر، ابن حجر عسقلانی، تنظیم: محمّد غیاث الصباغ، دمشق: مكتبة الغزالی، دوم، ۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م.
- فقه الحديث و روش های نقد متن، نهله غروی نایینی، دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹ش.
- الكافي، محمّد بن يعقوب بن اسحاق كليني، شرح و ترجمه: سيد جواد مصطفوی، اول، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
- كشف الظنون عن اسامي الكتب و الفنون، مصطفى بن عبدالله القسطنطینی الزومی الحنفی حاجی خلیفه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۴م.
- كيف تتعامل مع السنة النبوية، يوسف قرضاوی، هيرندن - فيرجينيا، ایالات متحده امریکا، دوم، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۰م.
- مستدرکات مقباس الهداية فی علم الدراية، عبدالله مامقانی، قم: چاپخانه مهر، ۱۴۱۳ق.
- المصباح فی اصول الحديث، سيد قاسم اندجانی، مدینه: مكتبة الزمان، دوم، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۷م.
- معالم السنة النبوية، عبدالرحمان عتر، اردن: مكتبة المنار، اول، ۱۴۰۶ق / ۱۹۸۶م.
- مفاتيح علوم الحديث و طرق تخريجه، محمّد عثمان الخشت، قاهره: مكتبة القرآن.
- مفتاح السعادة و مصباح السيادة فی موضوعات العلوم، طاش احمد بن مصطفى كبرى زاده، دارالعلمية.
- من لايحضره الفقيه، شيخ صدوق، تحقيق: الف. على اكبر غفاري، قم: جامعه مدرسین، ب. سيد حسن موسوی الخراسان، نجف: دارالكتب الاسلاميه، چهارم، ۱۳۷۸ق.
- منهج ذوی النظر، محمد محفوظ بن عبدالله ترمسی، شرح منظومه علم الاثر سیوطی، مصر: مكتبة مصطفى البالی الحلبي و اولاده، چهارم، ۱۴۰۶ق / ۱۹۸۵م.
- الموجز فی مصطلح الحديث، موسی نؤی العربی، دمشق: مكتبة الغزالی، اول، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۶م.
- نزاه النظر بشرح نخبة الفكر، ابن حجر عسقلانی، تنظیم: ابو عبدالرحيم محمّد كمال الدين الادهمی، مكّه: مكتبة فيصلیه.
- النكت على نزاه النظر، على بن حسن بن على بن الحميد حلبي الاثري، رياض: دار ابن الجوزي، سوم، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۵م.
- الوسيط فی علوم و مصطلح الحديث، محمد بن محمد ابن ابوشبهه، علام المعرفة و جدة شهر، اول، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- «اسباب الحديث النبوی فی الثرات الامامی»، سيد حسين آل المجدد حسینی، فصلنامه علوم الحديث.
- «بررسی اصول و معیارهای نقد حدیث از جهت متن»، جعفر صادق فدکی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، به راهنمایی دکتر دیاری، قم: دانشگاه قم، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۹ش.